



## استفتائات فقهی - قضایی (در امور کیفری)

مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه (قم)

علم قاضی  
سؤال اول:

در مورد علم قاضی بفرمایید:

**آیت الله میرزا جواد تبریزی**  
قاضی مجتهد جامع الشرایط می تواند در وقایع به علم وجدانی خود عمل کند، چه در حقوق الله باشد یا در حقوق الناس؛ لکن در حقوق الناس قضا یا حد، مشروط به مطالبه صاحب حق می باشد و منظور این است که در زمان قضا علم فعلی داشته باشد و لو این علم از قبل برای او پیدا شود. والله العالم.

**آیت الله سیدعلی خامنه ای**

قاضی منصوب ملزم است مطابق موازین نصب عمل نماید.

**آیت الله سیدعلی سیستانی**

الف) علم قاضی جای بینه را نمی گیرد، ولی اگر امر روشن باشد مانند بعضی از وسایل که برای هرکس ایجاد علم می کند قاضی می تواند بر آن اعتماد کند در غیر حدود.

ج) اجتهاد شرط قضاوت است.

د) مناط آن است که گفته شد.

الف) آیا قاضی می تواند در مقام قضاوت به علم خود عمل کند؟

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا علم قاضی در تمام موارد حجت است؟ (دعاوی جزایی و مدنی، حق الله و حق الناس و جرایم جنسی و غیرجنسی).

ج) آیا منظور از قاضی، قاضی مجتهد است یا قضات مأذون غیرمجتهد را نیز شامل می شود؟

د) آیا بین حصول علم برای قاضی، قبل از تصدی امر قضا و بعد از تصدی از نظر حجت، تفاوتی وجود دارد؟

پاسخ:

**آیت الله محمد تقی بجهت**

الف، ب، ج و د) شرایط قضا و قاضی و نحوه صدور حکم در کتاب قضا مضبوط است.

### آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

الف) بلی، قاضی جامع شرایط می تواند. واللہ العالم  
ب) بلی، در همه موارد علم قاضی حجت است. واللہ

العالم

ج) منظور قاضی مجتهد است. واللہ العالم

د) اگر قاضی مجتهد قبل از تصدی قضا علم حاصل کرده باشد و بعد از تصدی هم علم قبلی مبدل به ظن یا شک نشده و باقی است، می تواند بر طبق آن عمل نماید. واللہ العالم

### آیت الله محمد فاضل لنکرانی

الف) بلی.

ب) فرقی نمی کند.

ج) قاضی منصوب تابع نصب است. لذا اگر به او اجازه داده شد که طبق علم خود عمل کند، مانعی ندارد.  
د) خیر.

### آیت الله ناصر مکارم شیرازی

الف، ب و ج) علم قاضی حجت است مشروط بر این که از طریق حس یا میدادی قریب به حس مانند آنچه از قضاوت‌های حضرت علی(ع) آمده است باشد. بنابر این، علم از طریق نظری و ذهنی کافی نیست و فرقی میان قاضی مأذون و غیر مأذون نیست، مشروط بر این که مأذون مطلق باشد.

### آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

الف) بلی.

ب) در تمام موارد حجّت است مگر آن که نحوه خاصی برای اثبات جرم اعتبار شده باشد.  
ج) منظور قاضی مجتهد است.

د) باید هنگام قضاوت علم وجود داشته باشد.

### آیت الله حسین نوری همدانی

الف) بلی.

ب) علم قاضی در تمام موارد حجت است.

ج) به قضاوت مأذون غیرمجتهد نیز شامل می شوند.

د) در صورتی که قاضی در حین قضاوت علم داشته باشد فرقی نمی کند.

### سؤال دوم:

چنان چه مستند علم قاضی یکی از امور ذیل باشد، آیا از نظر شرعی حجیت دارد؟

الف) اقرار یا شهادت کمتر از حد نصاب نزد قاضی.

ب) گفتگوی غیررسمی متخصصین در دادگاه، تحقیقات

محلی و ...

ج) محتویات و قراین موجود در پرونده.

د) نظریه پزشکی قانونی، کارشناس انگشت نگاری و ...

ه) وجودعکس و فیلم از اشخاص در حین ارتکاب جرم یا نوار ضبط شده از مکالمات افراد که مشتمل بر برخی اقاریر و اعترافات باشد.

و) استفاده از روش های نوین در کشف جرم، یا به کارگیری علوم غریبه مانند هیپنوتیزم و نظایر آن.  
پاسخ:

### آیت الله محمدتقی بهجت

در موارد حق الله که علم قاضی حجیت دارد در اسباب علم فرقی نیست، اگر چه مخفی نیست که بعضی از مستندات مذکوره برای قاضی جامع شرایط اثباتاً علم نمی آورد.

### آیت الله سیدعلی خامنه ای

در جمیع این مسائل قاضی منصوب باید بر طبق مقررات نصب عمل کند.

### آیت الله سیدعلی سیستانی

ج) علم قاضی حجت نیست. ولی راه هایی که مطلب را روشن می کند به طوری که هر کس از آن راه علم پیدا کند و اجتهاد شخصی در آن دخالت ندارد بینه است و کافی است. ولی در اجرای حدود کافی نیست.

### آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

به طور کلی در هر موردی که قراین موجب حصول علم برای قاضی جامع شرایط بشود می تواند طبق علم خود حکم کند. البته قاضی جامع شرایط توجه دارد که مورد مذکور در سؤال، قابل دستبرد و اشتباه کاری است. واللہ العالم

### آیت الله محمد فاضل لنکرانی

این امور فی نفسه حجت نیست مگر این که قاضی علم پیدا کند که در این صورت قاضی می تواندطبق علم خود حکم کند و فرقی نمی کند که مستند علم قاضی چه چیزی باشد.

### آیت الله ناصر مکارم شیرازی

ج) اعتقاد ما بر این است که اگر علم قاضی از امور حسیه یا قراین قریب به حس حاصل شود معتبر است.

### آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

قاضی می تواند بر طبق علم خود رأی صادر نماید، ولی چنان چه سبب علم امر غیرعادی باشد یا برای نوع علم آور نباشد-یعنی از قبیل قطع قطاع باشد-حکمش نقض می شود.

### آیت الله حسین نوری همدانی

در صورتی که از موارد مذکور یا غیر آن برای قاضی علم

حاصل شود حجیت شرعی دارد.  
سؤال سوم:

باتوجه به این که امروزه براساس قانون، برخی از احکام صادرشده از سوی قضات در مرحله بعد از صدور حکم قابلیت تجدیدنظر داشته و ادله مورد استناد قاضی توسط مرجع بالاتری مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد، بفرمایید: الف) چنان چه قاضی با استناد به علم خویش حکمی را صادر کند، آیا از نظر شرعی موظف است مستند علم خود را بیان کند؟

ب) در صورت لزوم، چنان چه مستند علم قاضی مشاهدات وی باشد، با توجه به این که معمولاً چنین مستندی قابل بررسی و ارزیابی در مرحله تجدیدنظر نیست، چه باید کرد؟

پاسخ:

#### آیت الله محمدتقی بهجت

در موارد حق الله که علم قاضی حجیت دارد اگر قاضی واجد شرایط شرعیّه قضاء که در کتب قضا ذکر شده، باشد موظف به بیان مستند علم خود نیست.

#### آیت الله میرزا جواد تبریزی

مجتهد مسلمی که واجد شرایط است، علم او مدرک حکم و قضاوت خودش می شود و بر او لازم نیست مستند علمش را بیان کند و اگر در موردی، مستند را بیان کند و خطایش بین باشد، در این صورت، مجتهد دیگر می تواند حکم او را نقض کند. اما کسی که مجتهد نیست، فقط می تواند مستند تشخیص خود را بیان کند تا اگر نزد مجتهد مسلم صحیح و تمام باشد، حکم توسط شخص مجتهد مسلم صادر شود و حکم شخص اول که مجتهد نیست نافذ نمی باشد. والله العالم

#### آیت الله سیدعلی خامنه ای

الف) قاضی منصوب باید مطابق مقررات نصب و شرح وظایف قاضی در جمهوری اسلامی عمل کند.  
ب) از مسئله قبل معلوم می شود.

#### آیت الله سیدعلی سیستانی

الف) قاضی به علم خود نمی تواند استناد کند، بلکه باید بینه باشد؛ ولی بینه اختصاص به شهادت عدلین ندارد و هر چیزی که به روشنی موجب علم باشد و اجتهاد شخصی در آن دخالت نداشته باشد کافی است.

ب) مشاهده کافی نیست و اگر قاضی واجد شرایط شرعی از جمله اجتهاد باشد کسی حق بررسی و تجدید نظر ندارد.

#### آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

قاضی جامع شرایط (مجتهد عادل) موظف نیست که مستند علم خود را ذکر کند، و برحسب موازین قضایی فقه، تجدید نظر و رد حکم قاضی جز در موارد خاصّه، جایز نیست و تقاضای تجدیدنظر فقط بر اساس آن موارد خاص قابل قبول است. والله العالم.

#### آیت الله محمد فاضل لنکرانی

الف) خیر، قاضی موظف نیست که مستند و منشاعلم خود را بیان کند.

ب) در مرحله تجدیدنظر همین مقدار که احراز نمایند حکم مستند به علم قاضی است باید تأییدنمایند و نمی توانند رد کنند.

#### آیت الله ناصر مکارم شیرازی

در صورتی که قاضی براساس این امور حکم صادر کند تجدیدنظر در آن مشکل است. بنابراین، مراحل پایین تر پیشنهاد حکم کنند نه انشای حکم تا برای مقامات بالاتر دست باز باشد و اگر قاضی معتمد و دقیق باشد به مشاهده یا علم او می توان اعتماد کرد.

#### آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

الف) قاضی قانوناً موظف است مستند علم خود را بنویسد و مقررات جمهوری اسلامی باید عمل شود.  
ب) در مرحله تجدیدنظر می شود از قاضی به عنوان شاهد استفاده کرد.

#### آیت الله حسین نوری همدانی

طبق مقررات دستگاه جمهوری اسلامی عمل شود.

#### سؤال چهارم:

در صورت تعارض علم قاضی با اقرار یا بینه کدام یک مقدم است؟

پاسخ:

#### آیت الله محمد تقی بهجت

حجیت بینه یا اقرار درجایی است که علم بر خلاف آن حاصل نشود والا قاضی به علم خودش در مورد حجیت علم عمل می نماید و در غیر آن مورد باید مثبت دیگری مثل بینه دیگری در کار باشد.

#### آیت الله جواد تبریزی

اقرار نزد کسی که منصب قضاوت را شرعاً دارد نافذ است، اگر در حال اختیار و بدون اکراه باشد؛ ولی اگر بداند بینه اشتباه کرده نمی تواند طبق آن حکم کند. والله العالم

#### آیت الله سیدعلی سیستانی

قاضی نمی تواند به علم خود حکم کند، بلکه باید براساس

بینه باشد. ولی بینه اختصاص به دو شاهد عادل ندارد، بلکه هر چیزی که به روشنی و وضوح که اجتهاد و حدس شخصی در آن دخالت نداشته باشد بر چیزی دلالت کند، بینه است.

### آیت الله سید موسی شبیری زنجانی

به نظر این جانب، برای قاضی که دارای شرایط شرعی قضا می باشد اگر از روی حس علم پیدا کند علم او معتبر نیست و در نتیجه باید به اقرار و بینه عمل کند، نه به علم خود.

### آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

در مفروض سؤال، قاضی جامع شرایط (مجتهد) باید بر طبق علم خود عمل نماید.

### آیت الله محمد فاضل لنکرانی

علم قاضی مقدم است.

### آیت الله ناصر مکارم شیرازی

(ج) علم قاضی که از مبادی مذکور در پاسخ سؤال دوم گذشت، مقدم است.

### آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

قاضی می تواند بر طبق علم حکم صادر کند و اگر علم قاضی علم عادی باشد و برخلاف اقرار و بینه باشد معلوم می شود که او علم به کذب اقرار و بینه دارد و با علم به کذب اقرار و بینه، اقرار و بینه نمی تواند حجت باشد.

### آیت الله حسین نوری همدانی

علم قاضی بر اقرار و بینه مقدم است.

### سؤال پنجم:

درباره علم قاضی بفرمایید:

(الف) آیا علم قاضی ملحق به اقرار است یا بینه و یا طریق سوومی است؟

(ب) در صورتی که طریق سوم باشد، حکم عفو چگونه است؟ پاسخ:

### آیت الله محمد تقی بهجت

منشا حکم اگر علم قاضی بود فقط در حق الله حجت است و مثل ثبوت به بینه است.

### آیت الله سید علی سیستانی

علم قاضی در حکم شاهد عادل و اقرار نیست.

### آیت الله صافی گلپایگانی

حکم بینه را دارد. والله العالم

### آیت الله محمد فاضل لنکرانی

علم قاضی جامع شرایط حکم بینه را دارد، مخصوصاً در باب اجرای حکم. بنابراین در مواردی که اگر جرم با اقرار ثابت شود حد اجرا نمی شود، اگر با علم قاضی صادر شود حد اجرا

می شود، لکن باید توجه داشت که قاضی منصوب در محاکم فعلی تابع مقررات نصب است که توسط فقهای شورای نگهبان مشروعیت آن ثابت گردیده است.

### آیت الله ناصر مکارم شیرازی

در هر موردی باید تابع دلیل آن مورد بود. در مسئله فزاز از حقیقه، ادله شامل مورد علم قاضی نمی شود و حد ساقط نمی گردد.

### آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

علم قاضی طریق سوم است و نمی تواند عفو کند.

### آیت الله حسین نوری همدانی

طریق سوم است و قاضی می تواند طبق علمش حکم کند.

### نظریه شماره ۷۱۱۵۵۹، ۱۷۶۱۶/۲۲، اداره حقوقی قوه قضائیه

(الف) علم قاضی نه ملحق به اقرار است نه به بینه، بلکه مستقلاً یکی از طرق اثبات دعواست و در احکام راجع به حدود در مواد (۱۰۵ و ۱۲۰) بیان شده است. ماده (۱۰۵) مقرر می دارد: «حاکم شرع می تواند در حق الله و حق الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری سازد و لازم است مستند علم خود را ذکر کند.» ماده (۱۲۰) هم می گوید: «حاکم شرع می تواند طبق علم خود که از طریق متعارف حاصل شود، حکم کند.»

(ب) تقاضای عفو قاضی از ولی امر، در ارتباط با مواد (۷۲ و ۱۲۶ و ۱۸۲) قانون مجازات اسلامی در جایی است که متهم شخصاً به بزه انتسابی اقرار نماید، حکم مستند به علم حاکم شرع از موجبات تقاضای عفو تلقی نشده و قانون اجازه آن را نداده است.

